



گزارش کوتاه نظارتی

وقتی آب خشک می شود:

در حالیکه وضعیت معیشت ۱،۵ میلیون مهاجر در دشتهای جنوب غربی افغانستان رو به نابودی است، چه باید کرد؟

دیوید منسفیلد
جوزا ۱۳۹۹

شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN) ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۹۵-۲

نویسنده: دیوید منسفیلد

کد نشریه: ۲۰۱۰ د

تصاویر: Alcis, OSDR و دیوید منسفیلد

© ۱۳۹۹ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU نمیباشد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی www.areu.org.af (AREU) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تأسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ به عنوان یک نهاد غیر انتفاعی در وزارت اقتصاد ثبت گردید. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصبت یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی در آسیای میانه در رده سوم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن (SIDA) Swedish International Development Cooperation Agency

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۲۰ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), Central Asia Regional Economic Cooperation Institute (CAREC), The Foundation to Promote Open Society (FPOS), The French Medical Institute for mother and children (FMIC), The Royal United Services Institute (RUSI), Institute for Integrated Transitions (IFIT), and UN Women.

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

The RESOLVE Network, Global Challenge Research Fund (GCRF), The School of Oriental and African Studies (SOAS), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

در باره نویسنده

دیوید منسفیلد یک مشاور مستقل است که از سال ۲۰۰۵ تا کنون با واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان همکاری می کند. وی برای بیست و چهار فصل متوالی کشت دربارہ معیشت روستایی و کشت کوکنار در افغانستان تحقیق کرده است. این تحقیق بیش از ۱۶۰۰۰ مصاحبه عمیق با خانوارهای روستایی افغانستان را در بر دارد. آقای منسفیلد دارای دکترای مطالعات انکشافی از پوهنتون مطالعات شرقی و افریقایی در لندن است. او نویسنده کتاب "دولتی که بر روی ریگ بنا شده است: چگونه تریاک افغانستان را تضعیف کرد" می باشد و بیش از ۷۵ اثر تحقیقی در زمینه اقتصاد مواد مخدر و معیشت روستایی در افغانستان، نوشته است.

دهقانی در دشت بکواه گفت: "برق آفتابی به آب این منطقه و زندگی ما پایان میبخشد."

در ۵ سال گذشته، ۴۸،۰۰۰ خانه جدید در دشت های بایر جنوب غربی افغانستان بنا گردید. این جمعیت حدود نیم میلیونی با وجود هزینه و کارهای کمر شکن ساخت و ساز خانه: هموار سازی و پاکسازی زمین برای زراعت؛ ساخت خانه از خاک خشک دشت؛ و مهم تر از همه، حفر چاه عمیق برای دسترسی به آب و تبدیل دشت ها به محل زندگی، به این زمین های ناهموار مهاجرت کردند. این مهاجران تازه رسیده به دشتهای هلمند، نیمروز و فراه با جمعیت حدود یک میلیون نفری پیوستند که در سال ۲۰۰۳ در این راه پر درد سر سفر کردند و اکثریت مطلق شان بعد از سال ۲۰۰۸ یعنی هفت سال پس از سقوط رژیم طالبان در اینجا مسکن گزین شده بودند.



شکل ۱: تصاویری از ادامه روند مسکن گزینی در مناطق بیابانی هلمند.

این جمعیت حدود ۱،۵ میلیونی در گزارشات رسمی ثبت نگردیده است. با وجود اینکه جمعیت این مناطق از بسیاری ولایت های دیگر در کشور بیشتر است، کسانیکه در این مناطق دشت های سابق زندگی میکنند در دیتابیس نفوس اداره احصائیه ملی ثبت نگردیده اند. آنها به خدمات دولتی از جمله مکتب، کلینیک و رای دهی دسترسی ندارند و ضروریات، نظریات و شیوه زندگی آنها در هزاران سروی ملی و نظرسنجی های که توسط نهادهای ملی و بین المللی انجام شد، ارائه نگردیده است.

این مردم احساس میکنند که باید از مرزهای که دولت و نهادهای کمک رسان بین المللی به آنان دسترسی دارند، و همچنان از پروسه انکشافی که به باور آنها سبب ناکامی شان گردیده است، دور بروند؛ آنها هیچ علاقه ای به دولت افغانستان ندارند. با وجود این دور افتادگی و انزوا، این افراد در بازار های ملی و بین المللی شدیداً دخیل بوده و از فناوری جدید حمایت میکنند. آنها همچنان در پیشرفت تولید و پروسس محصولات زراعتی که این جوامع روستایی را در صدر تولید و پروسس مواد مخدر غیرقانونی قرار میدهد، قرار گرفته اند.

درحالیکه نوآوری و تغییرات و توافق با محیط، این افراد را در این دشتهای ناهموار نگهداشته است، استفاده غیرقانونی تکنولوژی در نهایت زندگی و معیشت آنها را از بنیاد خراب میکند و آنها را مجبور خواهد ساخت که جای دیگری جستجو کنند، زیرا این جمعیت ۱،۵ میلیونی آبهای زیرزمینی که زندگی آنها را در این مناطق امکان پذیر ساخته است خشک میسازند و تنها بحث زمان مطرح است که چه وقت این آب میخشکد.

از دشت ها تا گل ها

بعد از سقوط رژیم طالبان، مردم شروع به تجاوز به دشت های جنوب غربی افغانستان نمودند و طوری ادعا کردند که این منطقه زمین های شخصی شان است. بعد از سرمایه گذاری معمولی در چاه های کم عمق که قبلا خشکیده بود، بسیاری از ساکنان این منطقه حفر چاه های عمیق تا عمق ۱۳۰ متر را با استفاده از برمه شروع کردند. سپس با استفاده از جنراتورهای دیزلی و پمپ های آبی وارداتی از پاکستان و چین، این دشت های بیابانی را به زمین های حاصلخیز زراعتی تبدیل نمودند.



شکل ۲: عکس هوایی از چاه عمیق حفر شده در مناطق بیابانی هلمند.

زندگی سخت بود، نبود خدمات - اعم از دولتی و خصوصی - به این معنا بود که افرادی که در این دشت ها زندگی میکردند، اغلب با مناطق دارای آب ارتباط برقرار مینمودند، جایی که آنها از آنجا مهاجرت کرده بودند. برای رفتن به مارکت ها در نزدیکی مرکز ولسوالی و برای کسانی که در کانال بغرا مسکن گزین شده بودند، جایی که غذا، دوا و محصولات زراعتی پیدا میشد، داشتن یک موتور سایکل یک امر ضروری به حساب می آمد.

برای زنان خانواده، زندگی در دشت بسیار دشوارتر است. این زنان از فامیل های شان دور افتاده اند و به جز از کار در زمین های خشک بیابانی، به ندرت از خانه های شان بیرون میروند. برای اطفال آنها مکتبی در این مناطق وجود ندارد و در وقت مریضی اعضای خانواده، مراقبت های صحی بسیار اندکی به دسترس دارند. زندگی اجتماعی زنان در این دشت محدود گردیده است؛ آنها نمیتوانند به خانه اقوام شان و یا بازار محلی که در منطقه تحت آبیاری کانال موقعیت داشته و درگذشته از آن دیدن میکردند، بروند. بسیاری از این زنان میگویند که حتا نتوانسته اند به مراسم جنازه والدین و یا خواهر و برادر خویش اشتراک کنند؛ آنها از گوشه گیری و افسردگی خویش صحبت میکنند و همچنان از نمونه های خودکشی نیز روایت دارند.

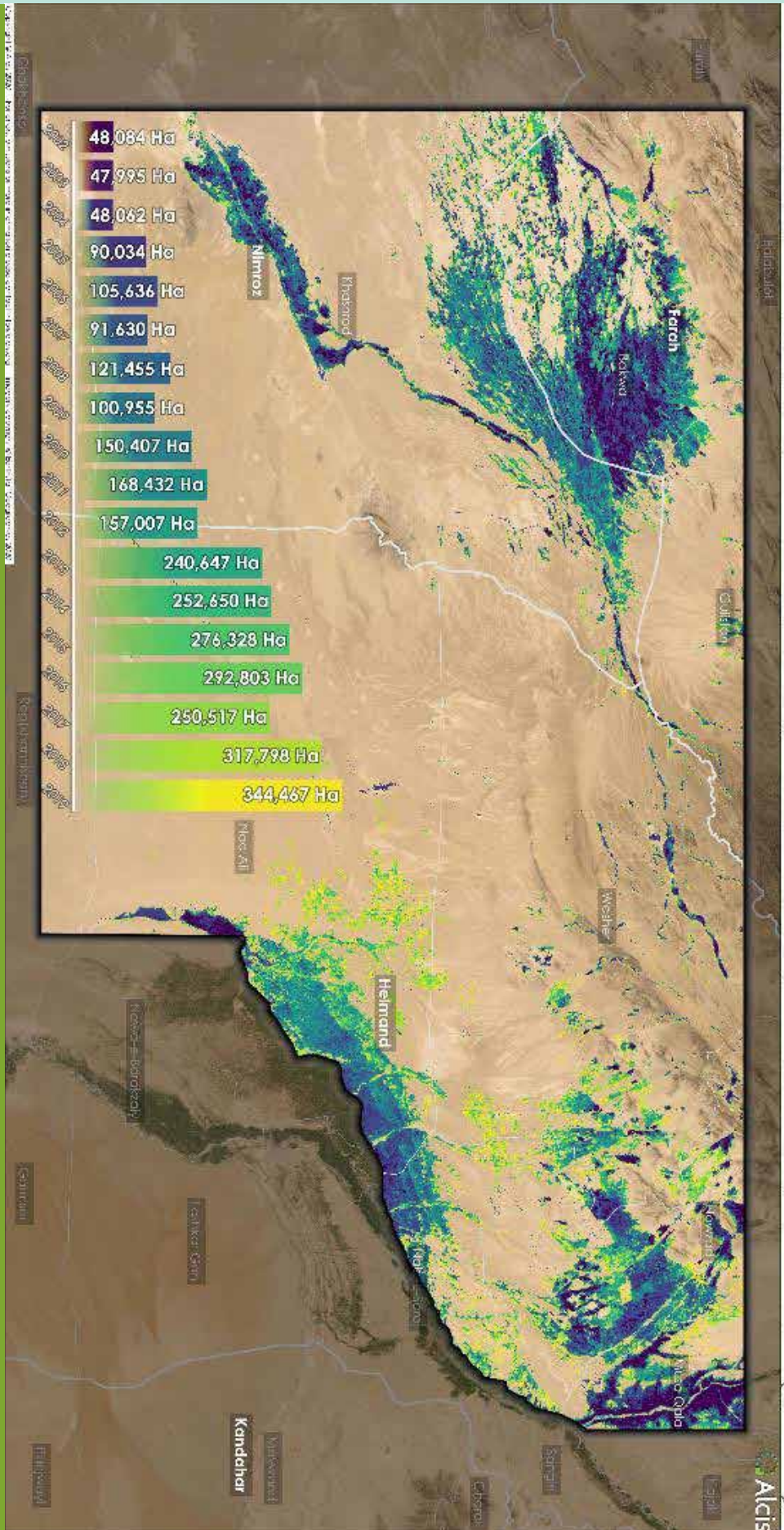
با وجود این شرایط دشوار، تعداد افرادی که در این دشت ها زندگی می کنند رو به افزایش است. در حقیقت، از سال ۲۰۰۸ تعداد فزاینده ای از دهقانان در این مناطق دشت های سابق مستقر شده اند، و این امر ناشی از فشار جمعیت، درگیری بین نیروهای ناتو و طالبان و همچنان تلاش برای ممنوعیت کشت کوکنار توسط دولت افغانستان و پشتیبانان خارجی آن است. با افزایش جمعیت و مقادیر بیشتری از کشت کوکنار، زمینهای بیابانی دگرگون شد.

کوکنار غیرقانونی سبب فراهم سازی زمینه مسکن گزینی این مناطق دشت های سابق گردید. اگر این وضعیت کشت غیرقانونی در این دشت ها نبود، این منطقه همچنان مانند گذشته - عاری از جمعیت مردم و زراعت - باقی می ماند. در عوض، تریاک غیرقانونی برای دهقانان زمینه حفر چاه عمیق، کشت زمین های جدید، ساخت و اعمار خانه و امکانات تهیه غذا برای خانواده ها و حیوانات را فراهم کرد.

تا سال ۲۰۱۲، بیش از ۱۰۰،۰۰۰ هکتار از اراضی بیابانی زیر کشت بود که بیشتر آن را کوکنار تشکیل میداد. با جمعیت کمی کمتر از یک میلیون که بسیاری از آنها همه چیز، اما محصول واحد کوکنار برای چندین سال داشتند، دشت های سابق شروع به شگوفایی کرد. با افزایش درآمد، رفت و آمد به لشکرگاه، دلارام و سایر بازارهای شهری در جنوب کم گردید و در عوض بازارهای دائمی در مناطق بیابانی برای برآورده ساختن تقاضای روزافزون مصرف کنندگان ایجاد گردید. با افزایش کالاها و خدمات موجود شامل علف کش ها در این بازارهای محلی که امکان مدیریت بهتر کار و زمینه کشت مقدار بیشتری کوکنار را فراهم ساخت، دهقانان شروع به آزمایش کردند.

AGRICULTURAL EXPANSION

South West Deserts
Afghanistan



شکل ۳: تجزیه و تحلیل تصاویر شاتل‌گرفته گسترش چشمگیر زمین زراعی در دشت های جنوب غرب افغانستان.

تخلیه آب زیرزمینی

با این حال علائم رو به رشد فشار محیطی نیز وجود دارد. شور بودن آب همراه با تک برداشت محصول کوکنار و دامداری ضعیف سبب ناکامی محصول گردید. تا سال ۲۰۱۵، دهقانان بازدهی کم محصولات را در چهار سال متوالی در این مناطق بیابانی متحمل شدند، تا جایی که هزینه های تولید اغلبا بیشتر از ارزش محصول نهایی بود. ضرر در حدی بود که برخی از دهقانان دشت را ترک کردند و به امید این که بتوانند به سرانجام برسند، در جستجوی زمین های جدید شدند.

اما کسانی که در این دشت ها زمین خریداری کرده بودند، ماندگار شدند. با آگاهی از کمبود شدید زمین در مناطق خوب آبیاری شده در جنوب غرب افغانستان و تصمیم به حفظ جان و معیشتی که برای ساخت آنها تلاش بسیاری کرده بودند، و به امید این که وضعیت محصول شان در نهایت بهبود یابد، در دشت ماندند. با توجه به کاهش محصول، افزایش قیمت دیزل و سهولت دسترسی به بازار، برخی از دهقانان شروع به آزمایش برق آفتابی کردند.

آنچه به عنوان چند مورد نه چندان قابل توجه شروع به فعالیت نمود، خیلی زود تبدیل به یک طوفان شد، زیرا تعداد زیادی از دهقانان برای پمپ آب از چاه های خویش برق آفتابی نصب کردند. بین سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸، تعداد چاه های عمیق با برق آفتابی در جنوب غرب، هر سال دوبرابر گردید. تا سال ۲۰۱۹ بیش از ۶۷،۰۰۰ چاه عمیق با برق آفتابی در مساحتی برابر با ۹۰۰ کیلومتر مربع در جنوب غرب افغانستان وجود داشته است - رقمی که در سال ۲۰۱۶ فقط ۱۴،۰۰۰ بوده است.



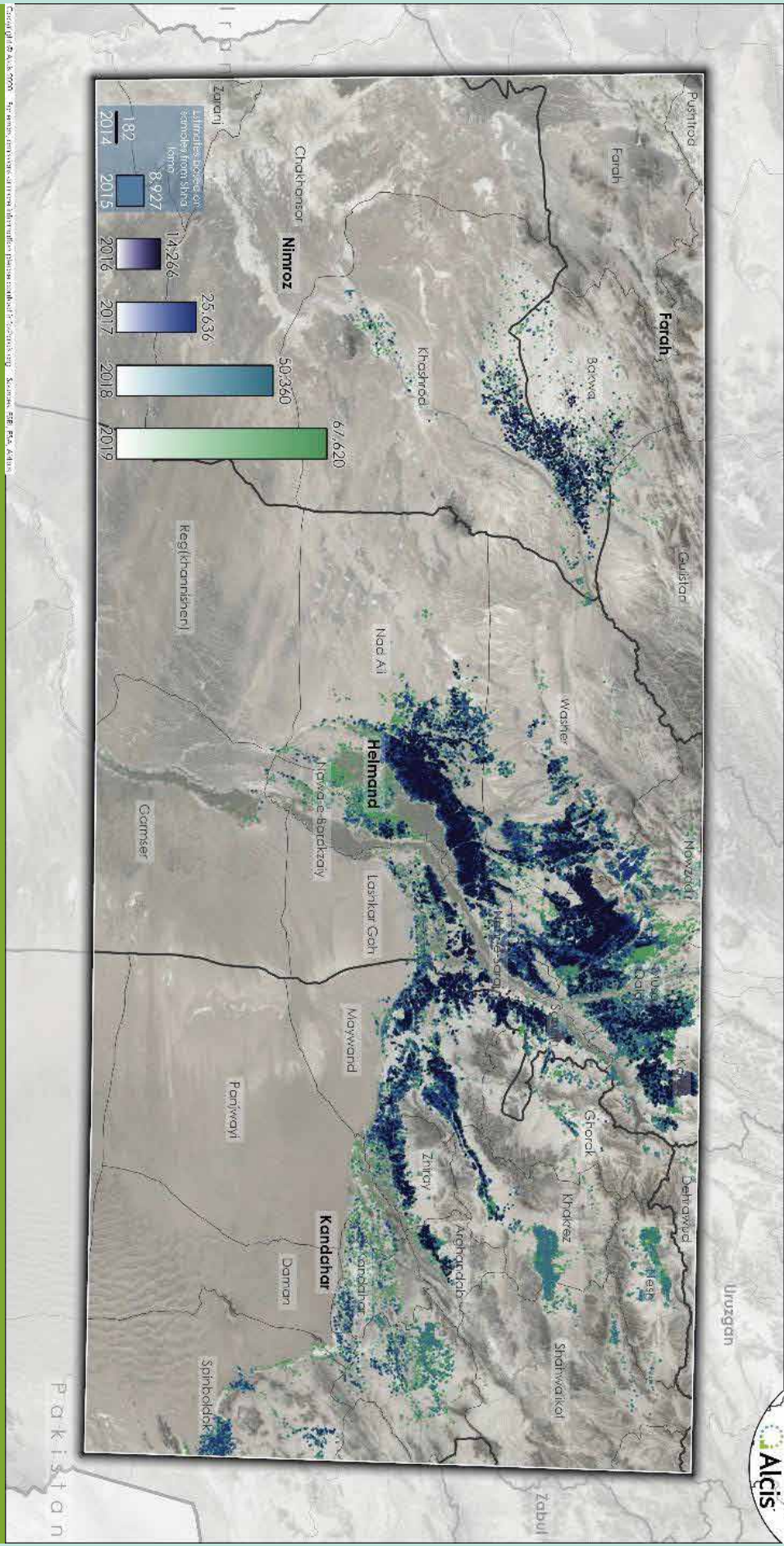
شکل ۴: دهقان در حال بررسی یک چاه عمیق با برق آفتابی در هلمند.

عواقب زیست محیطی از بالاگیری استفاده از فناوری برق آفتابی چشمگیر است. در گذشته، زمانی که دهقانان از پمپ های دیزلی استفاده می کردند، تخمین می زدند که سالانه تا یک متر سطح آب های زیرزمینی کاهش می یابد. اکنون که استفاده از برق آفتابی در این منطقه گسترش یافته و جمعیت در این دشت افزایش یافته است، آنان از کاهش ۳ متری آبهای زیرزمینی در سال صحبت می کنند.

با موجودیت یک مخزن تا مساحت ۱۲۰۰ متر مربع تقریبا در همه این چاه ها، قسمت اعظم آب در تبخیر از بین میرود. جدا از هزینه های مکرر با برق آفتابی، دهقانان انگیزه ای خیلی کمی برای مدیریت آبهای زیرزمینی به عنوان با ارزش ترین منبع دارند. اخیرا دهقانان از هر دو فناوری دیزلی و آفتابی با هم استفاده میکنند تا بتوانند به طور ۲۴ ساعته از چاه آب بکشند که این موضوع نگرانی ها درباره وضعیت خارج از کنترل ساکنان این مناطق بیابانی و استفاده از آبهای زیرزمینی را بیشتر میسازد.

HOUSEHOLD RESERVOIRS

South West Afghanistan
2016 - 2019



شکل ۵: تجزیه و تحلیل موقعیت مکانی از افزایش مخازنی که برای جاه های عمیق آفتابی در جنوب غرب افغانستان استفاده میشود، ۲۰۱۶-۲۰۱۹

دهقانان ساکن در دشت، اولین افرادی هستند که ترس خود را نسبت به آینده ابراز می کنند. با آگاهی از کاهش آب های زیرزمینی، بسیاری در مورد خطرات ناشی از فناوری برق آفتابی بر معیشت کسانی که در دشت ها زندگی می کنند، صحبت می نمایند. چنانچه یکی از دهقانان در دشت های بکواه گفت: «برق آفتابی به آب این منطقه و زندگی ما پایان می بخشد.» در حال حاضر نشانه های از افزایش سطح مهاجرت داخلی در مناطق بیابانی وجود دارد که دهقانان در جستجوی زمین های حاصلخیز، جایی که امیدوار هستند بتوانند نیاز های اساسی خود را تأمین کنند - به طور گسترده ای خانواده های خود را از یک مکان به مکان دیگر انتقال می دهند.

بیشتر به نظر میرسد که این مسابقه رو به باخت است. عدم موجودیت سازوکارهای مشخص در کار جلوگیری از بهره برداری ناپایدار از زمین و آب در این محیط بسیار شکننده، تنها بحث زمان است قبل از اینکه این منطقه یک بار دیگر تبدیل به دشت گردد.

تأثیر از بین رفتن وضعیت معیشت ۱،۵ میلیون جمعیتی که هم اکنون در این مناطق دشتهای سابق زندگی می کنند، فراتر از مناطق جنوب غربی احساس خواهد شد. استخراج زیاد آب احتمالا شهرهای افغانستان و همچنان کشورهای همسایه پاکستان و ایران و احتمالا فراتر از آن اروپا - را نیز متأثر خواهد ساخت.

در کوتاه مدت، جای نگرانی وجود ندارد زیرا بعید است که همه ساکنان دشت یکباره این منطقه را ترک کنند. اولین کسانی که این منطقه را ترک می کنند افرادی خواهند بود که صاحب زمین نیستند، به خصوص افراد غریب و آسیب پذیر - دهقانان سهمیه ای و مستاجر و خانواده های آنها که فرصت های محدودی در سایر مناطق دارند. برآوردها نشان میدهد که این گروه از افراد بیش از سه چهارم جمعیت یک میلیونی را تشکیل میدهند. به تعقیب آن نوبت افراد دیگر خواهد رسید، افرادی که با پس انداز و دارایی اندک در جستجوی ادامه زندگی تا زمانی در دشت می مانند که زندگی در آنجا ممکن است.

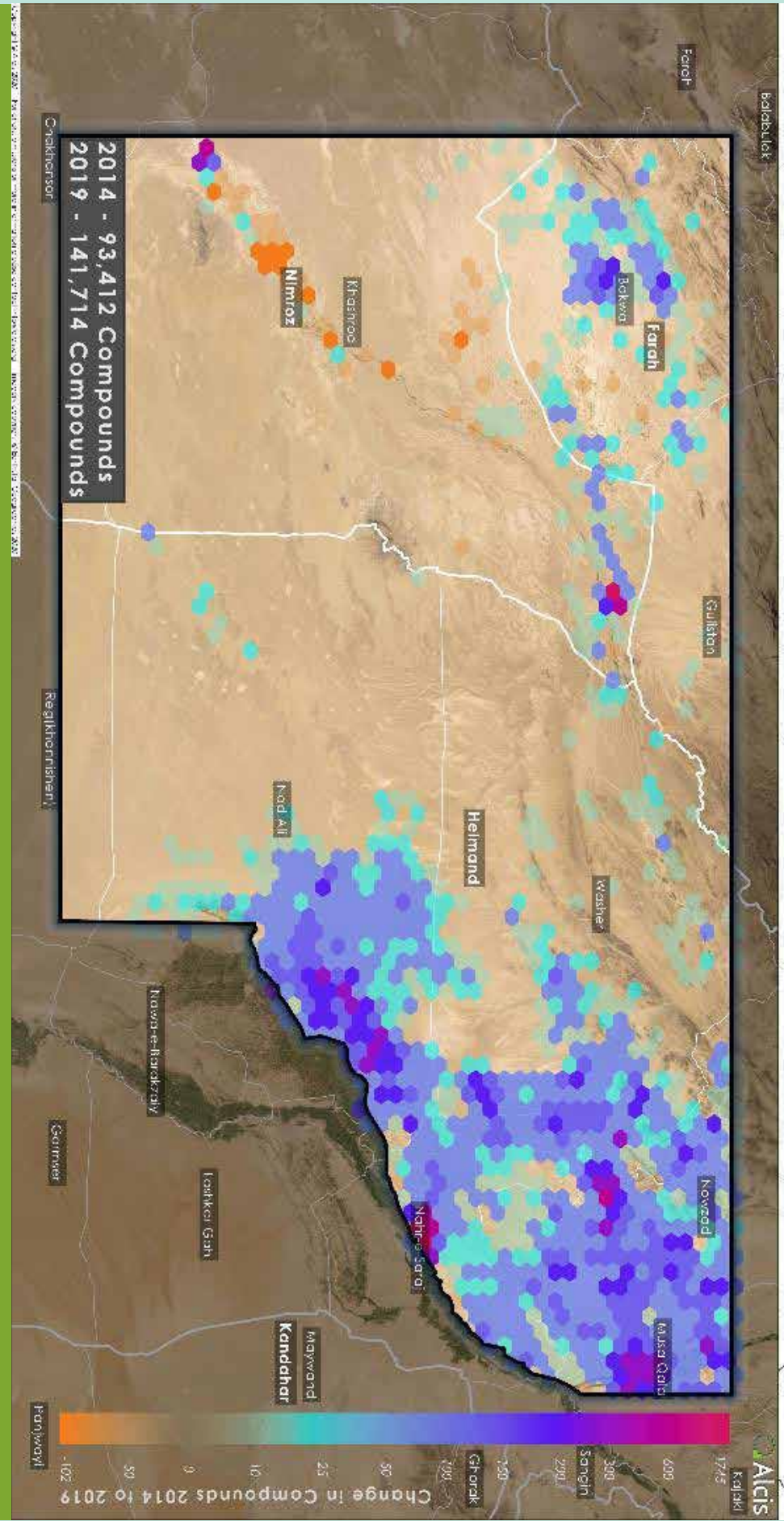
سوال اینجاست که این افراد به کجا خواهند رفت. در زمین های حاصلخیز تحت آبیاری، جایی که تراکم جمعیت زیاد است و زمین به طور حق الزحمه بدست می آید، فضای کمتری مساعد است. پس این افراد چه باید بکنند؟ آنان می توانند به مراکز شهری لشکرگاه، قندهار و کابل بروند اما هزینه زندگی در این مناطق مزدحم بالا است و فرصت های شغلی کمتری نسبت به سال ۲۰۱۲، زمانی که اقتصاد پرو رونق بود، وجود دارد. موضوع بعدی این است که کابل خود شاهد کاهش قابل توجهی در آب های زیرزمینی بوده که سبب کمبود آب آشامیدنی در سطح شهر گردیده است.

با توجه به تهدید وضعیت معیشت این ۱،۵ میلیون جمعیت نیرومند این دشت ها و دورنمای محدود در سایر مناطق افغانستان، این خطر وجود دارد که برخی از این افراد فراتر از زندگی در دشت ها بیندیشند و به جمع افرادی بپیوندند که از طریق ایران و ترکیه با متحمل شدن خطرات بسیار، به سمت اروپا سفر کرده اند. این افراد میدانند که در دراز مدت، آینده آنها در این زمین های دشت های سابق مبهم و تاریک است، پس چه انتخابی دارند؟

SETTLEMENT EXPANSION

Change in Compounds 2014-2019

Helmand/Nimroz Desert



شکل ۳: تصاویر جغرافیایی رشد تعداد اماکن نشیمن ساخته شده در دشت های جنوب غربی افغانستان بین سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ را نشان میدهد.

مشکل پیچیده ای که جوامع و جغرافیای مختلف را متاثر میسازد

مسئله کمبود آب و زمین را نمیتوان جدا از جنگ، بیجا شدگی و معیشت قرار داد. ماهیت متقاطع کمبود آب و زمین در مطالعات تحقیقاتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) - با حمایت مالی اتحادیه اروپا (EU) - به خوبی مستند شده است که شامل چند مورد اخیر با عنوان «زون غذایی هلمند: توهم موفقیت»، «تعامل آب های سطحی - زیرزمینی در حوزه دریایی کابل» و «آیا دولت افغانستان می تواند در منازعه بین کوچی ها و ساکنین موفقانه مداخله کند؟» میباشد.

تا امروز هیچ گونه میکانیسم عملی برای جلوگیری از استفاده بی رویه از زمین یا آب یا مقابله با تاثیرات فراوان آن وجود ندارد. به این ترتیب، بهره برداری غیر قانونی از زمین و آب تاثیر منفی بر معیشت جوامع مختلف خواهد گذاشت. این جوامع شامل ۱،۵ میلیون جمعیتی است که در حال حاضر در مناطق دشتهای سابق زندگی می کنند و مصروف کشت کوکنار اند و همچنان ساکنان مراکز شهری مانند کابل، جاییکه افزایش سریع جمعیت باعث کاهش بزرگ آب های زیرزمینی شده و در بین کوچی ها و ساکنان سبب ایجاد منازعه گردیده است زیرا آنها برای محافظت از منابع مهم زمین و آب برای موشی و نیازهای زراعتی خویش رقابت می کنند.

به هر اندازه ای که کمبود آب بیشتر شود، مسئولیت این مشکل به دوش دولت افغانستان خواهد بود تا اقدامات سازنده ای را روی دست بگیرد. احتمالاً بیشتر مردم افغانستان چنین درخواستی را ارائه نمایند و از دولت انتظار داشته باشند تا مشکل چند جانبه کمبود آب را برطرف کند چنانچه این مشکل باعث آوارگی، از بین رفتن معیشت و کاهش ارزش منابع زمین می گردد، بقای موشی را تهدید می کند، پایداری محصولات زراعتی را تضعیف ساخته و چالش های صحتی ناشی از مصرف آب آلوده یا عدم دسترسی به آب صحتی را برای افراد به بار می آورد. آنچه که احتمالاً باعث افزایش این چالش ها میشود ظرفیت ضعیف دولت، فساد، جرم و جنایت سازمان یافته و فرصت طلب و درگیری میان نیروهای امنیتی افغانستان و طالبان است. ماهیت متقاطع این چالش ها همچنان تاکید میکند که چرا راه حل های ساده انگارانه انفرادی، مانند جایگزین سازی محصول، ناقص هستند زیرا این رویکردها در درک ساختارها و سیستم های که با عوامل به هم پیوسته و چند بعدی شکل و تعامل میگیرند، ناتوان اند.

کاهش قابل توجهی در دسترس بودن آب سطحی یا زیرزمینی فراتر از جغرافیایی که جریان آب ختم می شود نیز احساس خواهد شد. نحوه پاسخگویی دولت به این چالش ها اعم از بیجا شدن جمعیت، مهاجرت و رقابت برای منابع کمیاب زمین و آب - چه در محیط های شهری و چه در قریه جات - تاثیر بر مشروعیت آن خواهد داشت. پیمودن راه های ساده انگارانه برای رفع مشکلات پیچیده چند بعدی نه تنها کافی نیست، بلکه احتمالاً باعث نتایج معکوس نیز میگردد. خطر طبیعی تشدید مشکلات پدید آمده یا مشکلات موجود، ایجاد میکند که دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن چشم انداز استراتژیک وسیع تری داشته باشند. این چشم انداز استراتژیک باید به خوبی از طریق شواهد و اطلاعات تهیه شود و بر اساس شرایط موجود ایجاد گردد، نه جدول زمانی غیر واقع بینانه - به خصوص در زمینه عدم اطمینان سیاسی، امنیتی و زیست محیطی که افغانستان با آن روبرو است.

چه کاری باید انجام شود؟

در شرایط فعلی با یک روند صلح ناپایدار، بحران سیاسی در دولت و یک بیماری همه گیر جهانی که سلامت مردم افغانستان و جریانات کمک های آینده را تهدید میکند، ارائه راهکار مشخص برای رسیدگی به فاجعه زیست محیطی در دشتهای مسکونی جنوب غرب افغانستان دشوار است.

نخست، مشخص است که نیاز به مکانیزم آگاهی اولیه برای ارزیابی تهدید رو به رشد برای جمعیت در مناطق دشتهای سابق و تاثیر کاهش آب های زیرزمینی وجود دارد. با وجود چالش های امنیتی، این امر از طریق ترکیب تصاویر با کیفیت به خصوص رادار - که برای اندازه گیری تغییرات در آب های زیرزمینی و تحقیقات متمرکز در این زمینه به کار برده میشود، امکان پذیر است. چنین مکانیزمی حداقل میتواند پیش بینی کند که چه موقع آب زیرزمینی به پایان می رسد و تاثیر آن بر گروه های مختلف جمعیت در دشت و فراتر از آن چه خواهد بود.

دوم، باید به این نکته توجه شود که آیا میتوان به برخی از ساکنان مناطق دشت های سابق قسمتی از اراضی جدید که تحت آبیاری بندهای «بخش آباد» و «کمال خان» در فراه و نیمروز قرار دارند، توزیع نمود. این کار آسان نیست و باید اطمینان حاصل شود که اگر به این دهقانان در آنجا زمین داده میشود به آنها کمک های زراعتی و بازاریابی نیز فراهم گردد تا بتوانند وضعیت معیشت خود را تغییر دهند و کشت کوکنار را در این مناطق تازه آبیاری شده، تشدید نکنند.

سوم، بسیار مهم است که تمام برنامه های انکشافی، به خصوص برنامه های که در مناطق روستایی تطبیق میشوند، تحت نظارت منظم قرار گیرند تا اطمینان حاصل شود که تلاش های این برنامه ها برای رشد اقتصادی یا مبارزه با مواد مخدر به هزینه افراد فقیر قریه جات انجام نمیشود. این ها نوع برنامه هایی هستند که هم سبب افزایش جمعیت دشتهای و هم کشت کوکنار در جنوب غرب افغانستان گردیده است - توسعه ای که با معلومات یک شخص در مورد منطقه و جمعیت و حتی اجرای ابتدایی ترین ارزیابی خطر، کاملاً قابل پیش بینی بود.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان میخواهد تا از پیشنهادات شما به عنوان استفاده کنندگان منابع تحقیقاتی این نهاد مستفید شود. شما چه خواننده دائمی انتشارات ما باشید، چه در یکی از ورکشاپ ها یا سخنرانی های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و یا جدیداً با این سازمان آشنا شده باشید. نظریات و پیشنهادات شما برای ما ارزشمند است. نظریات شما برای ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین وجه تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خوانندگان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. سهل ترین راه برای ارائه پیشنهادات شما استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

شما نیز میتوانید هر نظری که دارید از طریق شماره ۷۹۹۶۰۸۵۴۸ (+۹۳) در میان بگذارید. اما بعضی اطلاعات که عمدتاً برای ما سودمند خواهند بود عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید. (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات و غیره)؟
- به چه منظور از تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را بدست می آورید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده میکنید یا نسخه چاپی؟
- چگونه انتشارات میتوانند اطلاعات را به شکل بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما در مورد روند تحقیقاتی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کار های را بهتر میتوانیم انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است؟
- عرصه علاقمندی، اشتغال، مطالعه و موقعیت تان؟



ISBN 978-9936-641-95-2



9 789936 641952

شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+
ایمیل: publications@areu.org.af
وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را می‌توانید از صفحه اینترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را می‌توانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

